

## مقدمه

کم و بیش بیست سال از آغاز دوره دوم کاوش‌های شهرسوخته می‌گذرد. خوانندگان آشنا با پژوهش‌های سیستانی با پیشینه بررسی‌ها و کاوش‌های انجام شده در این بخش از استان سیستان و بلوچستان آگاهی‌های لازم را دارند و تصور نمی‌کنم لزومی بر تکرار مکررات در این زمینه باشد. اما اشاره به این نکته لازم است در حالی که پژوهش‌های باستان‌شناسی نواحی غربی ایران به خاطر ارتباطات آن با سرزمین‌های واقع در بین‌النهرین و به تبع آن سرزمین‌های توراتی کم و بیش برای پژوهندگان و محققان ایرانی آشنا است، اما همین مسئله در رابطه با سرزمین‌های شرقی‌تر فلات ایران، حتی تاکنون به اندازه کافی روشن نیست. سالیانی پیش و در آغاز دوره دوم کاوش‌های شهرسوخته و زمانی که هیچ‌گونه فعالیت باستان‌شناسی در این مناطق صورت نمی‌گرفت، نویسنده این سطور طی مقالات و سخنرانی‌های گوناگون اهمیت این بخش از ایران در تکوین و گسترش تمدن در فلات ایران و بدنبال آن در منطقه خاورمیانه را متذکر شده و بارها نوشته بخش‌های شرقی و جنوب‌شرقی ایران کاملاً و برعکس نظر بسیاری از باستان‌شناسان اروپائی و آمریکائی و بین‌النهرین دوستان ایرانی نه تنها دالان ارتباطی بین شرق و غرب نبوده بلکه در عین دارا بودن این نقش، خود نیز دارای موقعیت قابل توجه و کلیدی مهمی بوده و این نظریه با نتایج بدست آمده از کاوش‌های شهداد و تپه یحیی تقویت شده بوده است. اما آنچه که بعداً در این مناطق اتفاق افتاد مهر تأیید نهایی بر این نظریه بوده است، منظور پژوهش‌های بعدی انجام شده در شهرسوخته و سپس کشفیات بسیار مهم تپه‌های کنار صندل در جیرفت می‌باشد که باعث شد تا باستان‌شناسان متعددی از هر رده برای بررسی و کاوش در این مناطق درخواست مجوز کنند و طبعاً این مسئله باعث

احساس رضایت و شغف گروه باستان‌شناسی شهرسوخته شد که توانستند به یکی از اهداف خود یعنی جلب نظر پژوهشگران جوانتر به این مناطق شوند. در حقیقت و زمانی که دوره دوم کاوش‌های شهرسوخته آغاز شد، در تمام منطقه هیچ‌گونه فعالیت مرتبط با مسائل باستان‌شناسی، به جز از چند مورد کاوش‌های آموزشی کوتاه مدت که نتایج هیچ یک - جز از یک مقاله توسط شادروان محمود موسوی - منتشر نشده، انجام نمی‌گرفت و "صدایی از کلنگ باستان‌شناسان" به گوش نمی‌رسید. صدای این کلنگ‌ها تنها پس از موفقیت‌هایی گروه باستان‌شناسی شهرسوخته در معرفی قابلیت‌های باستان‌شناختی مناطق شرقی و به ویژه جنوب‌شرقی ایران بلند شد و چنان شد که امروزه بیش از ۳۰ گروه باستان‌شناسی در این منطقه به کاوش و پژوهش می‌پردازند و نکته قابل توجه‌تر آنکه کلیه کسانی که امروزه به کاوش‌ها و پژوهش‌هایی در سیستان و بلوچستان اشتغال دارند نخستین گام‌های حرفه‌ای خود را در شهرسوخته برداشته‌اند که این خود به خوبی گویای اهمیت این کاوش‌ها است.

دوره جدید کاوش‌های شهرسوخته در سال ۱۳۷۶/۱۹۹۷ به سرپرستی نویسنده این سطور آغاز شده و با تمام مشکلات ریز و درشت تا امروز ادامه پیدا کرده و نتایج آن در قالب حدود ۱۲۰ کتاب و مقاله به زبان‌های گوناگون و حدود ۳۰ پایان‌نامه منتشر شده است. همین جا و در پی آنچه گفته شد لازم است به نکات دیگری نیز اشاره کنم. یکی آنکه برخی از منتقدان تداوم کاوش در شهرسوخته بر این عقیده‌اند که کار کاوش در شهرسوخته به پایان رسیده و دیگر پرسشی در میان نیست و دوم آنکه درباره لزوم تداوم حفاری در گورستان ابراز تردید می‌کنند. در پاسخ گروه اول باید گفت که این گروه باستان‌شناسی از ابتدای موجودیت، اجرای سه هدف اصلی خود یعنی:

الف. معرفی و شناسایی تمدن و فرهنگ سیستان

ب. کشف وجوه پنهان باستان‌شناسی جنوب‌شرق ایران

پ. تربیت و آموزش کارشناسان گوناگون باستان‌شناسی و علوم مربوطه

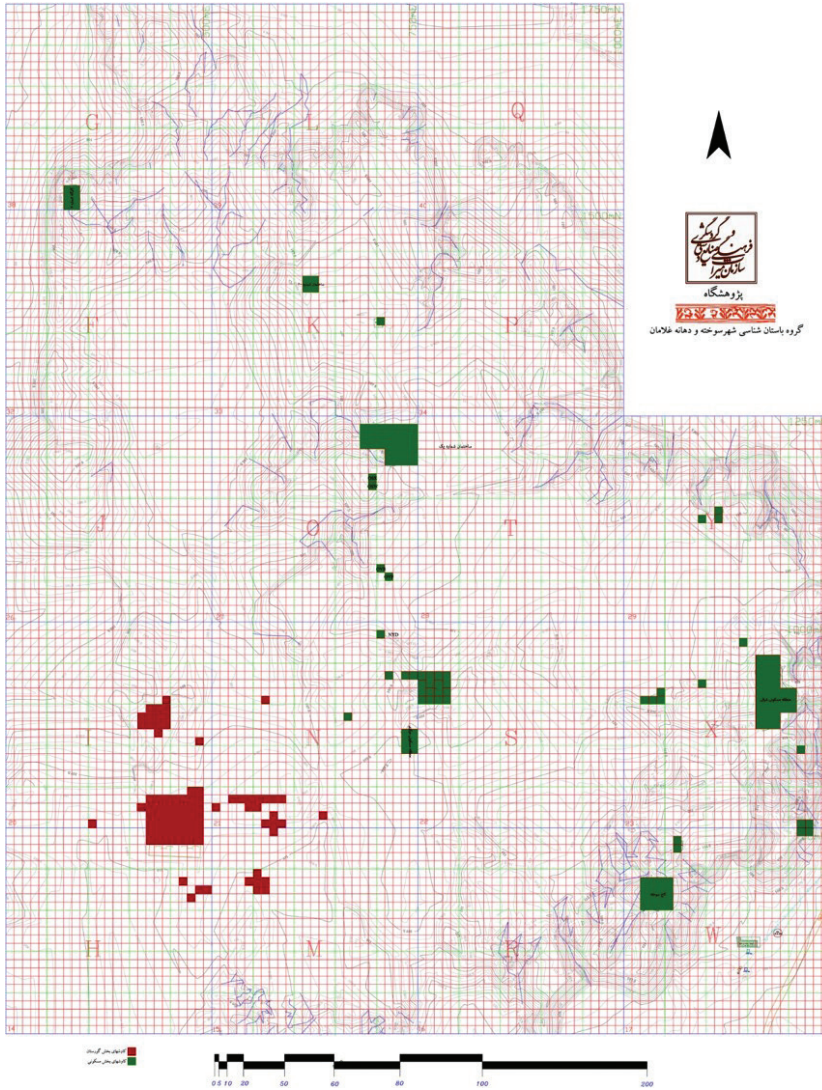
را برای یک برنامه ۲۰ ساله تنظیم کرده و هم اکنون و پس از ۱۷ فصل کاوش با آنکه در هر سه زمینه به موفقیت‌هایی دست یافته، اما تا حصول نتیجه مطلوب هنوز راهی، نه چندان طولانی باقی مانده است.

طبیعی است که برای شناخت ابعاد گوناگون یک جامعه باستانی می‌باید به کلیه بخش‌های یک روستا/شهر باستانی توجه کرد و با دقت علاوه بر کاوش، پژوهش‌های لازم را انجام داد.

به صورت معمول یک شهر از یک یا چند منطقه مسکونی، یک منطقه صنعتی و تولیدی و یک گورستان تشکیل می‌شود. هر یک از این مناطق دارای ویژگی‌های خاص خود هستند و تمرکز کاوش در یکی از آنها برای رسیدن به نتایج لازم کافی نیست. شهرسوخته نیز از این مقوله جدا نیست. در این جا هر یک از محله‌های سه‌گانه اصلی - که هرکدام به قسمت‌های کوچکتری تقسیم می‌شوند- بطور جداگانه حفاری شده‌اند با این توضیح که در منطقه صنعتی نسبت به سایر قسمت‌ها کار کمتری انجام گرفته است. بیشترین حفاری‌ها از نظر مساحت در منطقه مسکونی صورت گرفته و بیشترین انتشارات گروه نیز مرتبط به حفاری در بخش مسکونی است. حفاری در بخش مسکونی مرکزی بویژه در چهار فصل اخیر منجر به کشفیات کاملاً تازه و بدیعی از جمله درک بیشتری از اندازه‌ها و وسعت شهر و تاسیسات مربوطه در اواخر دوره سوم و کل دوره چهارم استقرار شده است. توضیح آنکه پیشتر و با تکیه به اطلاعات بدست آمده از سوی گروه باستان‌شناسی ایتالیایی تصور می‌رفت یکی از علل متروک شدن و از بین رفتن شهر علاوه بر دلایل طبیعی و مانند آن، تبدیل شهر بزرگ پیش از تاریخی به یک روستای کوچک بی‌اهمیت بوده در حالی که داده‌های حاصله از کاوش‌های جدیدتر نشان می‌دهد این نکته صحیح نبوده، بلکه در این دوران شهر هنوز دارای تاسیسات بزرگ و قابل توجهی بوده است. علاقمندان برای آشنائی بیشتر با این مسئله می‌توانند به انتشارات چهارسال آخر گروه باستان‌شناسی رجوع کنند. اگر چه هنوز مطالعات دامنه‌دار دیگری در جریان است تا بتوان به نتایج نهایی و قابل اعتماد در این زمینه دست یافت. نکته دیگر در همین زمینه مرتبط با وجود احتمالی کمپ‌های کوچ‌نشینان و دامداران دوره‌های بسیار اخیرتر تاریخی - احتمالاً اشکانی است که پیشتر به هیچ وجه از وجود آنها اطلاعی در دست نبوده است، اگر چه پیدا شدن برخی از شواهد - البته هنوز ناکافی - از وجود چنین کمپ‌های احتمالی خبر می‌دهند.

نکته دیگر درباره اهمیت تداوم کاوش در منطقه مسکونی، شناسایی هر چه بیشتر فازها و دوره‌های قدیم‌تر می‌باشد. توضیح آنکه اطلاعات در دست درباره دوره‌های دوم و سوم مکفی هستند اما هنوز وضعیت دوره‌های اول و چهارم مبهم هستند. درباره دوره چهارم استقرار در بالا توضیحاتی داده شد. کاوش‌های گروه ایتالیایی در لایه‌های قدیمی‌تر و اولیه شهرسوخته تنها در مساحتی برابر با ۲۵ مترمربع صورت گرفته و مشخص است در مقایسه با مساحتی برابر با ۲۸۳ هکتار شهر - این نیز از کشفیات جدید این گروه است. پیشتر تصور می‌رفت که مساحت شهر ۱۵۱ هکتار است - در حکم هیچ است. طی کاوش‌های سه فصل گذشته گروه باستان‌شناسی حفاری در این لایه‌های قدیمی‌تر را مورد توجه قرار داده و حتی در فصل گذشته (سال ۱۳۹۷) به نخستین لایه‌های فاز نهم استقرار دست یافته که البته به خاطر اتمام

فصل حفاری کار در این لایه‌ها ناتمام باقی مانده است و گروه باستان‌شناسی شهرسوخته امیدوار است در فصل جاری و فصول آینده موفق به رسیدن به این فازهای قدیمی‌تر شده و به برخی از پرسش‌های باستان‌شناسانه پاسخ دهد. در همین رابطه و علت تداوم کاوش در گورستان نیز در پاسخ این دسته از منتقدان علاقمند



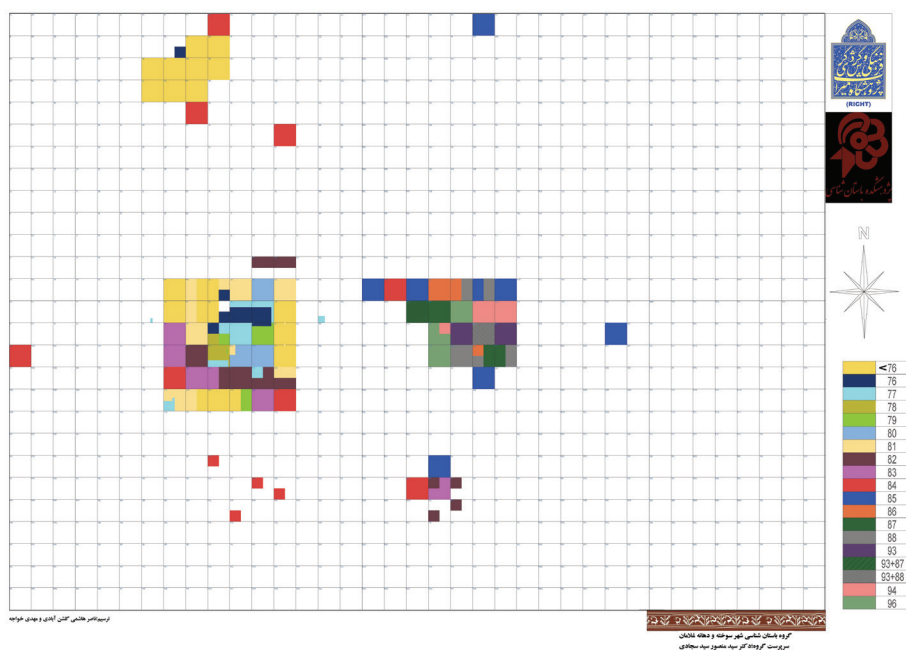
تصویر ۱. گمانه‌های کاوش شده در منطقه مسکونی

ابتدا باید گفت مرگ - با تمام تلخی - بخشی از حیات انسانی به شمار می‌رود که در جوامع گوناگون به شکل‌های مختلفی با آن روبرو می‌شوند. نکته دیگر آنکه اصولاً هر گور باستانی خود آزمایشگاهی در ارتباط با علوم گوناگون است و داده‌های بدست آمده از آن می‌تواند به تکمیل اطلاعات اولیه و مقدماتی مسائل مختلف مدنی و اجتماعی کمک کند. در شهر سوخته و بر اساس مطالعات گوناگون و محاسبات انجام شده حدود ۳۷۵۰۰ گور، حدود ۶۰۰۰۰ اسکلت انسانی، کم و بیش ۶۰۰۰۰۰ شیئی مادی و بالاخره حدود ۲۰۰۰۰۰۰ ماده ارگانیک وجود دارد. این نکته اگر چه شاید برای همگان قابل درک نباشد اما کسانی که با علوم باستان‌شناسی و انسان‌شناسی آشنائی دارند به آسانی ارزش علمی این آمار را درک می‌کنند و به سادگی به ارزش‌های مطالعاتی آن‌ها نیز پی می‌برند. از آنجائی که برخی از منتقدان کارها و گفته‌های کارشناسان غیر ایرانی را لازم‌الاجراء و ختم کلام می‌دانند به کاوش‌های گورستان گنور در ترکمنستان اشاره می‌کنم. ساریانیدی باستان‌شناس پر آوازه روس که بسیاری از کشفیات خارق‌العاده آسیای مرکزی مدیون وی است تعداد ۴۵۰۰ قبر را در گورستان ۵۰۰۰ قبری گنور حفاری کرد و تاسف می‌خورد که به دلایل مختلف موفق به حفاری ۵۰۰ قبر باقی‌مانده نشد. این نکته نیز درست است که به عنوان باستان‌شناس حق نداریم و نباید تمام آن چیزی که قابل حفاری است را کاوش کنیم و باید مقادیری را برای اصلاح کار خود برای نسل‌های آینده باقی بگذاریم - یک چنین اصلاحاتی را دکتر صادق ملک شه‌میرزادی در تپه سیلک و رابرت دایسون و ماریتسیو توزی در تپه حصار دامغان با موفقیت انجام داده‌اند - در این زمینه و درباره شهر سوخته اشاره می‌کنم تعداد گورهای حفاری شده حتی با محاسبه ۲۲۰ گور حفاری شده توسط گروه باستان‌شناسی ایتالیایی در زمان پیش از انقلاب تنها حدود یک چهارم مجموع گورهاست اما از نظر آماری و برای رسیدن به یک نتیجه نسبتاً قابل قبول حفاری حداقل یک دهم آن‌ها لازم است و این درحالی است که تاکنون تنها کمتر از ۵٪ از کل مساحت شهر سوخته حفاری شده است.

همچنین درباره اهمیت کاوش در گورستان‌ها - و در این مورد خاص گورستان شهر سوخته - باید اضافه کنم که بیشترین داده‌های قابل استفاده در زمینه‌های گوناگون چه از نظر اشیاء - و بنابراین آشنائی با صنعت و تکنولوژی، غنا و ثروت و مانند آن - و چه از نظر مطالعات انسان‌شناسی از گورستان شهر بدست آمده است. نکته دیگر درباره گورستان شهر سوخته آن که اطلاعات و داده‌های بدست آمده از این گورستان آنقدر مهم و ارزشمند بوده‌اند که علاوه بر انتشار مقالات گوناگون در مجلات معتبر علمی جهان حتی توجه دانشجویان علوم پزشکی را نیز به خود جلب کرده چنانکه برای نخستین بار در تاریخ یکصدساله باستان‌شناسی ایران دو پایان‌نامه علوم پزشکی در دو دانشگاه معتبر ایران یعنی

دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تربیت مدرس و دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی ایران به مطالعات مرتبط به علوم پزشکی بر اساس داده‌های بدست آمده از گورستان شهرسوخته اختصاص داده شده است و پایان‌نامه سومی نیز درباره شیوع مالاریا در دست تهیه است. این نکته آخری به خصوص از این نظر حائز اهمیت است که، چنانکه همکاران باستان‌شناسان مطلع هستند در برخی از لایه‌های اجتماعی از ما باستان‌شناسان با عناوینی چون "قبر کن" و مانند آن یاد می‌کردند، اما کاوش‌های علمی و دقیق گورستان شهرسوخته این معادلات را بر هم زد و توانست قشر باستان‌شناس را به عنوان پژوهشگران اصیلی که در راه پیشرفت علم گام بر می‌دارند به جامعه معرفی کند. در پایان این مبحث اشاره می‌کنم که طی این کاوش‌ها حدود ۸۰ کارشناس باستان‌شناسی در درجات مختلف علمی شرکت داشته‌اند و تقریباً همگان آنان بر این نکته اذعان دارند که شرکت آنان در این کاوش‌ها به ارتقای دانش باستان‌شناسی آنان کمک موثری کرده است.

\*\*\*



تصویر ۲. گمانه‌های کاوش شده در گورستان شهر

پیشتر و در سال ۱۳۸۸ کتابی با نام "مجموعه مقالات شهرسوخته ۱" از این گروه منتشر شد. یکی از علل انتشار این گونه مجموعه‌ها از سوی گروه باستان‌شناسی شهرسوخته - که برخی اوقات شامل انتشار مجدد برخی از مقالات نیز شده - توزیع و گسترش آن در میان پژوهشگران و دانشجویان رشته باستان‌شناسی و علوم مرتبط می‌باشد. توضیح آنکه در بسیاری موارد، مقالات منتشره در مجموعه‌ها یا نشریات باستان‌شناسی در دسترس همگان نمی‌باشد و گاهی نیز به علل مختلف پژوهشگران با این گونه مقالات آشنائی ندارند و در نتیجه انتشار آن‌ها در یک مجموعه یگانه به مثابه یک بایگانی اطلاعاتی عمل می‌کند. در مجموعه مقالات منتشره در سال ۱۳۸۸ تعداد پانزده مقاله فارسی و دو مقاله انگلیسی از چهار پژوهشگر شهرسوخته در ارتباط با زوایای گوناگون مطالعات شهرسوخته‌ای مانند محیط طبیعی و آثار باستانی دشت سیستان، پزشکی و فن‌آوری‌های بومی در ایران باستان و آخرین بررسی‌های گیاه باستان‌شناسی در شهرسوخته منتشر شده است.

طبیعت و ترکیب مجموعه حاضر متفاوت است و مقالات و مباحث آن پیشتر منتشر نشده است. در این مجموعه، مطالبی درباره جنبه‌های گوناگون پژوهشی شهرسوخته مورد بحث قرار گرفته‌اند. این مجموعه شامل ۲۶ مقاله (پانزده مقاله به فارسی، یازده مقاله به ایتالیایی و یک مقاله به انگلیسی) همراه چکیده‌های فارسی، ایتالیایی و انگلیسی آن‌ها توسط ۴۴ پژوهشگر ایرانی، ایتالیایی و آلمانی در زمینه‌های مرتبط با کاوش‌ها، مطالعات میان رشته‌ای، محیط طبیعی، آثار باستانی دشت سیستان و جایگاه شهرسوخته در تاریخ باستانی فلات ایران و مانند آن است. برای آگاهی هر چه بیشتر پژوهشگران سه کتابنامه نیز درباره فعالیت‌های باستان‌شناسی در شهرسوخته آمده است.

نخستین مقاله از سلسله مقالات فارسی خلاصه‌ای از کاوش‌های سال ۱۳۹۳ توسط نویسنده سطور حاضر است. حسین مرادی بر اساس کاوش‌های خود در منطقه مسکونی مرکزی به چگونگی توسعه و گسترش شهری در دوره چهارم استقرار در شهرسوخته پرداخته است. ظروف مرمی شهرسوخته با ظرافت خاصی و با استفاده از تکنیک‌های پیشرفته‌ای ساخته شده و اطلاعات موجود نشان از صدور آن‌ها به سواحل و بنادر جنوبی خلیج فارس دارد. رامین محمدی سفیدخانی در سومین مقاله مجموعه به ارتباط آن‌ها با محوطه‌های شهداد و تپه یحیی توجه کرده است. پیکره‌های گلی متعدد انسانی و جانوری در شهرسوخته پیدا شده که از جنبه‌های گوناگون تکنیکی و کاربردی مورد توجه پژوهشگران بوده و سعید پارسائیان در چهارمین مقاله مجموعه حاضر با بررسی و دسته‌بندی آماری و عملکردی پیکرک‌های گاوهای شهرسوخته، این مسئله را مورد توجه قرار داده است. چگونگی ویژگی‌های شکل‌گیری منظر فرهنگی در دشت سیستان عنوان پنجمین مقاله مجموعه از سمیرا شیخ اکبری زاده است. مدیا

رحمانی و سعید پارسائیان ششمین مقاله تحت عنوان بهره‌گیری از فتوگرامتری برد کوتاه در لایه‌نگاری دیواره‌های جنوبی و شمالی کارگاه ۳۰ منطقه صنعتی شهرسوخته را نوشته‌اند. تعداد بسیار زیاد مواد فرهنگی مطالعاتی شهرسوخته تهیه یک بانک اطلاعاتی مخصوص شهرسوخته را ایجاب می‌کرد و بنابراین حسین سرحدی دادیان، عبدالکریم شادمهر، جلال فرزامی و سید مسعود طائفی. همکاران پروژه شهرسوخته در هفتمین مقاله مجموعه به شرح مطالعات خود درباره ایجاد یک سیستم مدیریت یکپارچه پایگاه برای فعالیت‌های میدانی باستان‌شناسی شهرسوخته پرداخته‌اند.

مطالعات میان‌رشته‌ای در گروه باستان‌شناسی شهرسوخته همواره از جایگاه خاصی برخوردار بوده و مطالعات سنگ‌شناسی و معادن، گیاه باستان‌شناسی، انسان‌شناسی، جانورشناسی و مانند آن توسط متخصصان گوناگون در روی مواد بدست آمده از شهرسوخته انجام شده است. در همین زمینه سید ایرج بهشتی، یاسین صدقی و نویسنده این سطور به بررسی مهره‌های سنگی ساخته شده از سنگ‌های نیمه بهادر شهرسوخته با عنوان مطالعه‌ای نو در باب باستان‌شناسی و باستان‌سنجی مهره‌های سنگی نیمه‌بهادر شهرسوخته پرداخته‌اند که عنوان هشتمین مقاله فارسی این مجموعه است. به همین ترتیب و در ادامه مطالعات میان‌رشته‌ای زهره شیرازی مقاله‌ای مبسوط درباره منابع گیاهی شهرسوخته به عنوان مقاله نهم تحت عنوان منابع گیاهی جنوب دشت سیستان در هزاره سوم پیش از میلاد بر اساس بقایای گیاهی به دست آمده از شهرسوخته نوشته است. چهار مقاله دیگر در زمینه مطالعات انتر و یولوژیکی، سلامت و بهداشت جامعه شهرسوخته عبارتند مقاله نهم تحت عنوان بررسی دیرین تغذیه‌شناسی شهرسوخته به دو روش ایزوتوپی و PIXE توسط مجید موزون و حامد وحدتی نسب، مقاله دهم با عنوان مقدمه‌ای بر مطالعات انگل‌شناسی در ایران توسط غلامرضا مولوی و مهسا سادات مکی؛ یازدهمین مقاله نتیجه کار گروهی پزشکان، متخصصان آزمایشگاهی و باستان‌شناسان تحت عنوان اسپایروریدیازیس انسانی به دلیل فیزالوپترا است. نویسندگان این مقاله عبارتند از مهسا سادات مکی، س.ر. نداف، الف موبدی، ح ملک فضلی، م. رضائیان، م. محبعلی، ف. کارگر، غ. مولوی، س.م.س. سجادی، J. Dupouy-Camet و F. Moravec. همین گروه از پژوهشگران نویسندگان دوازدهمین مقاله تحت عنوان اولین گزارش باستان انگل‌شناسی بر روی مدفوع حیوانات شهرسوخته هستند.

طی کاوش‌های سال‌های اخیر مطالعات جانورشناسی نیز به صورت جدی در فهرست فعالیت‌های گروه باستان‌شناسی قرار گرفته است. کشف قبر یک میمون موضوع سیزدهمین مقاله مجموعه تحت عنوان یک ماکاک در شهرسوخته است که توسط ک. مینیتی و س.م.س.



سجادی نوشته شده است. آخرین مقاله این بخش کتابنامه گروه باستان‌شناسی شهرسوخته در زمینه فعالیت‌های انجام شده در این محوطه از سوی نویسنده این سطور تحت عنوان کتابنامه شهرسوخته تهیه شده است. لازم به تذکر است که کتابنامه‌ای مذکور تنها به نام مقالات یا کتبی اشاره دارد که در ایران یا نقاط دیگر و به زبان‌های گوناگون منتشر شده و گزارش‌های منتشر نشده - به استثنای تعدادی پایان‌نامه - در آن راه ندارند.

بخش دوم کتاب به زبان ایتالیایی و توسط پژوهشگران مهمان این گروه از دانشگاه سالنتوی ایتالیا نوشته شده است. علت اصلی دعوت از گروه پژوهشگران مهمان دانشگاه سالنتو توسط گروه باستان‌شناسی شهرسوخته یاری گرفتن برای مطالعات میان‌رشته‌ای و در صورت لزوم آموزش برخی از این رشته‌ها به جوانان پژوهشگر ایرانی است و به همین علت نام پروژه آنان نیز پروژه بین‌المللی مطالعات میان‌رشته‌ای در شهرسوخته است.

این نام در عین حال عنوان نخستین مقاله به زبان ایتالیایی این مجموعه است که توسط انریکو اسکالونه سرپرست این گروه نوشته شده است. دومین مقاله ایتالیایی به نتایج بدست آمده از کاوش‌های این گروه پرداخته که توسط همین نویسنده تحت عنوان کاوش در کارگاه شماره ۳۳ نوشته شده است. بررسی و شناسایی سفال‌ها نیز از دیگر مواردی است که انریکو اسکالونه با عنوان سفال کارگاه شماره ۳۳ نوشته است. چهارمین مقاله در زمینه مطالعات میان‌رشته‌ای با عنوان ملاحظاتی درباره وضعیت جمعیتی شهرسوخته بر اساس مطالعات انجام شده در گورستان شهر نوشته انریکو اسکالونه و فرانچسکو فابری است.

یکی از موارد تخصصی سرپرست گروه ایتالیایی، انریکو اسکالونه مطالعه اوزان در دنیای باستان است و در این زمینه تاکنون چندین مقاله و کتاب منتشر کرده است. پیدا شدن سه قطعه سنگ در جریان کاوش‌ها علت آن بوده تا وی مقاله پنجم مجموعه را تحت عنوان یادداشتی کوتاه بر روی سه سنگ وزنه احتمالی؟ از شهرسوخته بنویسد. پیش‌تر درباره اهمیت ظروف مرمری شهرسوخته سخن گفته شد. سیلویا فستوچا در همین زمینه و بر روی ظروف مرمری کارگاه شماره ۳۳ مطالعاتی انجام داده که نتایج مقدماتی آن را در قالب مقاله‌ای تحت عنوان مطالعات مقدماتی ظروف مرمری شهر سوخته، کارگاه شماره ۳۳ ارائه کرده است. انجام پژوهش‌های توپوگرافیک نیز مورد توجه همکاران ایتالیایی ما بوده و در یک کار گروهی توسط چرادو جوزپه، ورونیکا فراری، پائولا گواچی و روزانا مونتاناو با نام مطالعات توپوگرافیک در شهر سوخته در این مجموعه آمده است. کلاودیا مینیتی نتایج اولیه مطالعات درباره بقایای مطالعات اولیه و مقدماتی درباره بقایای جانوری شهرسوخته آورده است. در همین زمینه استخوان جانوران و استفاده‌های صنعتی از آن‌ها آلبرتو کوزیمو پوتنزا مقاله‌ای تحت عنوان ابزارهای استخوانی ارائه کرده است.

بخش دیگری از مطالعات میان‌رشته‌ای گروه ایتالیایی به مطالعات زیست‌شناسی و عمدتاً گیاه‌شناسی اختصاص یافته که زیست‌شناسان این گروه یعنی جیرولامو فیورنتینو و ایگناتسیو مینروینی در این رابطه مقاله‌ای تحت عنوان پژوهش‌های زیست‌شناسی نوشته‌اند. مطالعات ژئوفیزیکی موضوع پژوهش‌های بئاتریس و تویباس شولتز پژوهشگران آلمانی گروه و در ضمن تنها مقاله انگلیسی این مجموعه نیز به شمار می‌رود و تحت عنوان در زیر زمین آمده است. به مانند بخش فارسی در بخش ایتالیایی نیز الساندرا لازاری کتابنامه کامل گروه باستان‌شناسی ایتالیایی را جهت علاقمندان به پژوهش در شهرسوخته خاتمه بخش این مجموعه کرده است. طبیعی است که مانند سایر موارد مسئولیت صحت و سقم اطلاعات داده شده و نتیجه‌گیری از تجزیه و تحلیل داده‌ها مستقیماً متوجه نویسندگان مقالات این مجموعه است. طبیعی است که مانند سایر موارد مسئولیت صحت و سقم اطلاعات داده شده و نتیجه‌گیری از تجزیه و تحلیل داده‌ها مستقیماً متوجه نویسندگان مقالات این مجموعه است. چکیده‌ای نیز از کلیه مقالات به زبان‌های فارسی، ایتالیایی و انگلیسی در ابتدای مقاله اصلی آمده که ترجمه آن‌ها از فارسی به انگلیسی، ایتالیایی و بالعکس توسط س.م.س. سجادی و انریکو اسکالونه انجام گرفته است.

\*\*\*

نویسنده سطور حاضر تندرستی و بهروزی کلیه نامبردگان و نیز افرادی که نامشان در این جا نیامده، اما به شکل‌های گوناگون برای موفقیت‌های این گروه باستان‌شناسی زحمت کشیده و به ما یاری رسانیده‌اند را از درگاه پرردگار بزرگ خواستار است.

سیدمنصور سیدسجادی

سرپرست پروژه بین‌المللی کاوش و پژوهش در شهرسوخته